

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٦٠٢٦



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

**بررسی عوامل سقوط دولت  
ابوالحسن بنی صدر**

نگارش: مهدی صفرپور

استاد راهنما: دکتر الهه کولایی

استاد مشاور: دکتر ابراهیم متقی

کتابخانه اساتید و دانشمندان  
کتابخانه مرکزی  
کتابخانه تخصصی حقوق

۱۳۸۷/۸/۲۳

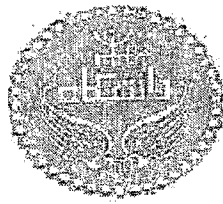
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

تابستان ۱۳۸۷

ب

۱۰۶۰۲۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : مهدی صفرپور

گرایش :

در رشته : علوم سیاسی

باعنوان : بررسی عوامل سقوط دولت ابوالحسن بنی صدر

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۱۸

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

با نمره نهایی :

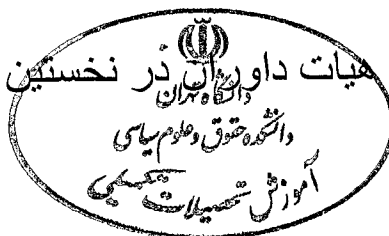
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر الهه کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر ابراهیم متقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر صادق زیباکلام	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو	—	—	—	—
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	—

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .





جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب *پریا امینزاد* متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء ( )

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به

پدر و مادرم

به پاس انسانیتی بی شائبه که طوفان

سرنوشتش مسخ نتواند کرد.

## تقدیر و تشکر

سپاس یزدان پاک را که فرصت انجام این تحقیق را اعطا کرد.

بی شک انجام این امر جز با یاری و راهنمایی دلسوزانه استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر الهه

کولایی امکان پذیر نبود، بدینوسیله از ایشان صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

همچنین از استاد عزیز جناب آقای دکتر ابراهیم متقی که در مراحل انجام این تحقیق از

مشورت ایشان بهره مند شده ام، سپاسگزارم.

شایسته است از کلیه دوستان عزیز که در مراحل مختلف این پژوهش مرا یاری کرده اند

بویژه از آقایان سجاد جمشیدی، حبیب رحمت بر، جلال خرم، مهدی خرم، جواد وکیلی،

غلامرضا فولادوند، مسعود حبیبی، محسن محمودی و محسن الهی تشکر و قدردانی نمایم.

در پایان از خانواده عزیزم که در کلیه مراحل تحصیل همواره مایه دلگرمی من بوده اند

تشکر و قدردانی می نمایم.

## چکیده:

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ چندین گروه، طبقه و حزب با عقاید ناهمگون، که همه آنها مخالف رژیم پیشین بودند را متحد ساخت. در انقلاب اسلامی ایران نیز همانند بسیاری از انقلاب‌ها، پس از پیروزی انقلاب، این ائتلاف چندان دوام نیاورد. مطابق نظریه کرین بریتون، بعد از پیروزی انقلاب، میانه روها بر سر کار می‌آیند. اما پس از مدت کوتاهی توسط تندروها به حمایت از رژیم پیشین و استفاده از روشهای غیر انقلابی متهم می‌شوند. منازعه تندروها و میانه روها، به پیروزی تندروها و انحصار قدرت توسط آنها می‌انجامد. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. رویدادهایی که از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا تیرماه ۱۳۶۰ در ایران به وقوع پیوست، بازتابی از منازعه انقلابی در فرایند انقلاب می‌باشد. با توجه به این چارچوب نظری، در این پژوهش، تأکید بر تقابل بنی صدر، آخرین بازمانده میانه روها و حزب جمهوری اسلامی، نماد انقلابی‌های اسلام‌گرا می‌باشد. سرانجام این منازعه، شکست بنی صدر و حذف میانه روها از عرصه قدرت می‌باشد.

## فهرست:

۱	مقدمه
۲	طرح موضوع
۴	هدف پژوهش و ضرورت انجام آن
۵	سئوال و فرضیه تحقیق
۶	متغیرها
۶	روش تحقیق
۶	سازماندهی پژوهش
۷	پیشینه تحقیق
۱۶	فصل اول: چارچوب نظری
۱۷	نظریه های شکل گیری انقلاب
۲۷	جنبش انقلابی، از شکل گیری تا فروپاشی
۲۷	۱- ویرانی رژیم سابق
۲۹	۲- دوره بی نظمی و تعدد مراکز قدرت
۳۱	۳- دوران ایجاد نظم جدید
۳۳	تحکیم قدرت تندروها
۳۹	یادداشت های فصل اول
۴۱	فصل دوم: جناح های سیاسی فعال در جریان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷
۴۲	مقدمه
۴۳	تثبیت قدرت محمدرضا شاه (۱۳۴۲-۱۳۳۲)
۴۴	شکل گیری جریان اسلام سیاسی سنت گرا و نقش امام خمینی در آن
۴۵	ترور منصور و آغاز مبارزات
۴۶	توسعه نیافتگی سیاسی (۱۳۵۶-۱۳۴۲)
۴۸	روند رخداد انقلاب
۵۲	ظهور و سقوط دولت موقت
۵۳	جریان های سیاسی فعال در جریان انقلاب اسلامی
۵۳	۱- جبهه ملی ایران
۵۵	۲- جبهه دموکراتیک ملی
۵۵	۳- حزب توده
۵۷	۴- سازمان چریک های فدایی خلق



۵۸	..... ۵- نهضت آزادی ایران
۶۰	..... ۶- انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور
۶۱	..... ۷- سازمان مجاهدین خلق
۶۲	..... ۸- جریان اسلام سیاسی فقهاتی (اصول گرایان شیعی)
۶۵	..... ۹- جریان اسلام سیاسی نوگرا (جریان روشنفکری دینی)
۶۶	..... الف) جریان نوگرایی دینی لیبرال
۶۸	..... ب) جریان نوگرایی دینی سوسیالیستی (سوسیالیست های اسلامی)
۷۱	..... ۱۰- جریان مارکسیستی (چپ سکولار)
۷۱	..... الف) جناح محافظه کار
۷۲	..... ب) جناح رادیکال
۷۴	..... ج) جناح میانه جریان مارکسیستی
۷۵	..... ۱۱- جریان ملی گرای دموکراتیک (راست سکولار)
۷۶	..... الف) جناح محافظه کار
۷۷	..... ب) جناح میانه
۷۷	..... ج) جناح رادیکال
۷۹	..... یادداشت های فصل دوم
۸۴	..... فصل سوم: سید ابوالحسن بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی
۸۵	..... بخش اول: سید ابوالحسن بنی صدر
۸۶	..... رویکردهای فکری - فرهنگی بنی صدر
۹۲	..... بخش دوم: حزب جمهوری اسلامی
۹۸	..... الف) تاریخچه تشکیل حزب جمهوری اسلامی
۱۰۱	..... ب) مقدمات تشکیل حزب جمهوری اسلامی
۱۰۲	..... ج) خاستگاه اجتماعی حزب جمهوری اسلامی
۱۰۳	..... د) ساختار تشکیلاتی حزب جمهوری اسلامی
۱۰۵	..... هـ) توقف فعالیتهای تشکیل حزب جمهوری اسلامی
۱۰۸	..... و) علل توقف فعالیتهای تشکیلاتی حزب جمهوری اسلامی
۱۰۹	..... ۱) عوامل درونی
۱۱۰	..... ۲) عوامل بیرونی
۱۱۲	..... یادداشت های فصل سوم
۱۱۵	..... فصل چهارم: رویارویی بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی
۱۱۶	..... مقدمه
۱۱۷	..... موارد اختلاف بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی
۱۱۷	..... ۱- اختلاف در مجلس خبرگان
۱۱۸	..... ۲- انتخاب اولین رئیس جمهور

- ۱-۲-۳- انتخاب اولین دوره مجلس شورای اسلامی ..... ۱۲۲
- ۱-۴- انتخاب نخست وزیر ..... ۱۲۵
- ۱-۵- جدال ریاست جمهوری و نخست وزیر ..... ۱۲۷
- ۱-۶- مخالفت بنی صدر با نهادهای انقلابی ..... ۱۲۸
- ۱-۷- اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری ..... ۱۲۹
- ۱-۸- شبهه ارتباط ریاست جمهوری با گروههای محارب انقلاب اسلامی ..... ۱۳۰
- ۱-۹- نوار حسن آیت ..... ۱۳۳
- ۱-۱۰- صدا و سیما ..... ۱۳۴
- ۱-۱۱- شکنجه ..... ۱۳۵
- ۱-۱۲- حادثه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران ..... ۱۳۶
- ..... ۱۴۵ کمیته حکمیت
- ..... ۱۵۲ پایان قدرت میانه روها
- ..... ۱۵۶ یادداشت های فصل چهارم
- ..... ۱۶۱ نتیجه گیری
- ..... ۱۷۰ منابع و مآخذ



مقدمة

## طرح موضوع :

در سال ۱۳۵۸ پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان موسوم به مسلمانان پیرو خط امام و استعفای دولت موقت، اداره امور کشور تا انتخابات ریاست جمهوری، بوسیله امام خمینی به شورای انقلاب واگذار شد. در روز جمعه پنجم آبان ماه ۱۳۵۸ مردم ایران به پای صندوق های رای رفتند تا اولین رئیس جمهور تاریخ ایران پس از فروپاشی نظام سلطنتی پهلوی را انتخاب کنند. برای مردم، رهبری انقلاب اسلامی و کسانی که در داخل و خارج از کشور مسائل سیاسی و اجتماعی ایران را دنبال می کردند، اینکه چه کسی اولین رئیس جمهور ایران خواهد شد، محل تأمل بسیار بود. در این روز تاریخی، ابوالحسن بنی صدر توانست با کسب بیش از ۷۵ درصد آراء شرکت کنندگان در انتخابات، گوی سبقت را از دیگر نامزدهای ریاست جمهوری ربود و نام او به عنوان نخستین رئیس جمهور نظام نویای جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید. اما کمتر از ۱۷ ماه پس از انتخاب مردم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ رأی به «عدم کفایت سیاسی» بنی صدر دادند و ۳۷ روز پس از آن، روزنامه ها در ۷ مردادماه ۱۳۶۰ نوشتند: «بنی صدر با اخذ پناهندگی سیاسی به پاریس گریخت». این در شرایطی بود که کشور در آتش جنگ خارجی، دشمنی و خشونت داخلی می سوخت.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مانند بسیاری از انقلاب ها، چندین گروه، طبقه و حزب با عقاید ناهمگون که همه آنها مخالف رژیم بودند، را متحد ساخت. همانند بسیاری از انقلاب ها، این ائتلاف پس از پیروزی انقلاب و حذف رژیم پیشین، چندان دوام نیاورد. انقلاب اسلامی ایران ویژگی های متمایزی با سایر انقلاب ها داشت که به ویژه نقش رهبری منحصر به فرد روحانیت قابل اشاره است. برخی از انقلاب ها دارای ایدئولوژی مذهبی بوده اند، اما حکومت روحانیون پس از انقلاب پدیده ای جدید در دوران معاصر بود.

انتصاب مهندس مهدی بازرگان غیر روحانی به نخست وزیری و حمایت از سید ابوالحسن بنی صدر در نخستین انتخابات ریاست جمهوری، به نظر می رسد موید این گفته امام خمینی بود که او و روحانیون مستقیماً حکومت نخواهند کرد. اما امام خمینی و شاگردان ایشان در همان زمان گامهایی در جهت افزایش قدرت روحانیت برداشتند. در سالهای اولیه پیروزی انقلاب، شاهد قدرت فزاینده تندروها و حذف غالباً همراه با خشونت و علی رغم مقاومت گروه های مخالف هستیم. شور و اشتیاق گسترده برای آزادی بیشتر و برابری اجتماعی برآورده نشد. بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ نیروهای رادیکال قدرت را از یک انقلاب و دولت چند حزبی گرفتند. با آن که امام خمینی یک دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان را منصوب کردند، اما همزمان با آن، نهادهای قدرتمندتر روحانی را بنیان گذاشتند.

نهیض آزادی در سال ۱۳۵۸ قدرتمند بود. رهبرش نخست وزیر بود و بیش از یک سوم وزارتخانه های دولت موقت انقلاب را در اختیار داشت. نیروهای تندرو انقلابی در حزب جمهوری اسلامی که در اسفند ماه ۱۳۵۷ با موافقت امام خمینی تشکیل شد، متمرکز شده بودند. آیت الله بهشتی چهره برجسته حزب جمهوری اسلامی بود. حزب جمهوری اسلامی برای افزایش قدرت روحانیت انقلابی اسلام گرا در حمایت از حکومت اسلامی بوجود آمد و گروههای مختلف اسلامی را در بر می گرفت.

امام خمینی با منع روحانیون از نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۵۹ کوشید حمایت کسانی را که نگران قدرت یافتن روحانیت بودند را جلب کند. بنی صدر که به صورت مستقل در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بود ۱۰/۷ میلیون از ۱۴ میلیون رای یعنی بیش از ۷۵ درصد آرای شرکت کنندگان در انتخابات را نصیب خود کرد. وی با در اختیار داشتن نه تنها پست ریاست جمهوری بلکه فرماندهی کل نیروهای مسلح و شورای عالی دفاع، قدرتمند به نظر می رسید. اما قدرت یابی فزاینده حزب جمهوری اسلامی و دبیر کل آن، آیت الله بهشتی، پایه های قدرت بنی صدر را سست می کرد.

حزب جمهوری اسلامی، مجلس و دولت، با وجود آیت الله بهشتی در مقام ریاست دیوان عالی کشور، قوه قضاییه را در کنترل داشت. بنی صدر آخرین مانع دستیابی کامل آنها به قدرت بود. در مناقشه های

بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی، امام خمینی گاه یک طرف را سرزنش می کرد و گاه طرف دیگر را و اغلب دو طرف را وادار به مصالحه می کرد، اما در بهار ۱۳۶۰ از بنی صدر دست شست.

### هدف پژوهش و ضرورت انجام آن :

پرداختن به مقوله انقلاب اسلامی ایران تحولات بعد از پیروزی انقلاب، دشوار تر از پرداختن به رویدادهای سایر دوره های تاریخ ایران به نظر می رسد. دلیل این دشواری شاید عدم فاصله کافی زمانی ما با این رویداد تاریخی باشد. اما عدم بررسی دقیق و موشکافانه حوادث این دوره و همچنین عدم ارائه رویکرد تحلیلی و انتقادی به این رخدادها، دلیلی محکم تر می نماید. باید اذعان کرد که رویدادها و تحولات این مقطع از تاریخ ایران، اغلب یا مورد توصیف اغراق آمیز قرار گرفته و یا مورد انتقادات غیر علمی و شکننده قرار گرفته است. در بهترین شرایط، به توصیف صرف آن اکتفا شده است. اغلب آثاری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رشته تحریر در آمده اند به چگونگی وقوع انقلاب پرداخته اند و یا چندین عامل را در علل وقوع انقلاب بر شمرده اند. در آثاری جدیدتر، محققان علاقمند به تاریخ معاصر ایران به صورت گزینشی به بررسی تحولات بعد از پیروزی انقلاب پرداخته اند. دولت موقت، چرایی و چگونگی قدرت یابی و علل استعفای آن را بررسی کرده اند. به ۱۳ آبان ۱۳۵۸ علل و چگونگی مبادرت دانشجویان پیرو خط امام به اشغال سفارت آمریکا در تهران پرداخته اند. پیرامون این تحولات، کتاب ها و مقاله های بسیار نوشته اند، یکدیگر را نقد و گاه نفی کرده اند. در خصوص تحولات بعد از آن همچون آغاز و انجام شورای موقت انقلاب، ریاست جمهوری بنی صدر، عزل بنی صدر که با پشتیبانی ۷۵ درصدی آراء شرکت کنندگان در انتخابات به قدرت رسیده بود، فرار بنی صدر، اینکه در دوره عملکرد شورای موقت انقلاب و هفده ماه ریاست جمهوری بنی صدر بر ایران چه گذشت، را جدی نگرفته و یا نخواسته اند که جدی بگیرند. آنها با اشاره ای کوتاه، شاید در حد یکی دو سطر از آن عبور کرده اند.

کانون توجه نگارنده در این پژوهش، معطوف به تمامیت پدیده انقلاب اسلامی نخواهد بود، بلکه مرحله ای خاص از فرایند انقلاب مورد نظر است. آنچه ذهن محقق را مشغول داشته این است که در دوره هفده ماهه ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر بر ایران چه گذشت. آنچه جای تأمل دارد بررسی مسائلی است که حوادث تاریخ هفده ماهه دوره ریاست جمهوری بنی صدر را رقم زدند. حوادثی که منجر به حذف میانه روها از عرصه قدرت و انحصار قدرت بوسیله تندروهای اسلام گرا شد.

سعی ما این است که در کنار بررسی رویدادهای پس از پیروزی انقلاب و خصوصاً دوره ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر، سرشت و ریشه های کشمکشی را که پس از سقوط رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ بین گروه ها و نیروهای سیاسی و انقلابی در گرفت، بررسی نماییم. از نظر نگارنده، برخوردها و تنش هایی که طی سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب بین نیروهای سیاسی بوجود آمد در واقع مرحله ای از منازعه انقلابی بود که طی آن ائتلاف نیروهای انقلابی که قبل از پیروزی انقلاب و در دوران مبارزه تنها یک هدف را دنبال می کردند، آن هم سرنگونی رژیم پهلوی بود. آنها بزودی دچار چند پارگی و تجزیه شدند. نیروهایی که تا چندی پیش در اتحاد با یکدیگر رژیم پیشین را سرنگون کرده بودند، دچار تعارض و اختلافات درونی شدند.

در این طرح، قصد بر آن است که با بررسی عوامل مذکور با تأکید و با محوریت تقابل بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی، علل سقوط دولت بنی صدر بررسی شود.

### سؤال و فرضیه تحقیق :

برای ارائه هر فرضیه ای ابتدا باید سؤال یا سئوالاتی در ذهن پیش آید تا بتوان یک پاسخ موقتی یا فرضیه ای برای آن ارائه داد. سؤال پیش آمده در این پژوهش عبارت است از اینکه :

چه عواملی باعث سقوط دولت ابوالحسن بنی صدر شد؟

سؤال های فرعی این پژوهش عبارتند از:

- جریان های سیاسی فعال مقارن پیروزی انقلاب کدام جریان ها بودند؟

- سید ابوالحسن بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی از لحاظ سیاسی و فرهنگی در کدام قالب فکری تعریف می شوند؟

فرضیه ای که پژوهشگر بررسی خود را بر اساس آن قرار داده این است که :

- رویارویی بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی سبب سقوط دولت بنی صدر شد.

### **متغیرها :**

در این طرح، رویارویی بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی به عنوان متغیر مستقل و سقوط دولت ابوالحسن بنی صدر به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد.

### **روش تحقیق :**

روش اجرایی این طرح به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و روزنامه های سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ می باشد.

### **سازماندهی پژوهش :**

پژوهش حاضر شامل چهار فصل بعلاوه نتیجه تحقیق می باشد.

فصل اول: چارچوب نظری. در این فصل علل شکل گیری جنبش انقلابی، نظریه های تاریخ طبیعی انقلاب بویژه نظریه کرین بریتون به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر مطرح می شوند.

فصل دوم: جناح های سیاسی فعال در جریان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. در این فصل در ابتدا اشاره ای کوتاه به حوادث مهم قبل از پیروزی انقلاب می شود. سپس جناح های سیاسی فعال در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل سوم: معرفی سید ابوالحسن بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی. در این فصل در ابتدا به معرفی بنی صدر و آرا و افکار او می پردازیم. سپس حزب جمهوری اسلامی و علل ظهور و انحلال آن را مورد بررسی قرار می دهیم.



فصل چهارم: تقابل بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی. در این فصل که در واقع بخش اصلی پژوهش حاضر می باشد، به بررسی اختلافات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی که هر یک نماینده یکی از دو جریان میانه رو و تندرو سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی هستند، می پردازیم.

### پیشینه تحقیق :

۱- دکتر حسین بشیریه در کتاب "انقلاب و بسیج سیاسی" به بررسی جامعه شناختی پدیده انقلاب می پردازد. هدف این نوشته، برخلاف جامعه شناسی های خشونت و عمل جمعی، حل کردن پدیده انقلاب در مقولات عام تر نیست. بنابراین این اثر می کوشد نخست پدیده انقلاب را از پدیده های هم خانواده با آن جدا کند. به عبارت دیگر، واژه انقلاب را با احتیاط و در مورد طبقه خاصی از منازعات سیاسی به کار می برد. پس از تمیز پدیده انقلاب از پدیده هایی که از برخی جهات همانند آن هستند، مهمترین نظریه هایی را که درباره معنا و علت این پدیده عرضه شده اند، بررسی می شود. این نظریه ها عمدتاً کلان هستند و به چگونگی پیدایش وضعیتهای انقلابی در کوتاه مدت چندان توجهی ندارند. بعلاوه، بیشتر نظریه هایی که درباره وقوع انقلاب ها عرضه شده اند، نظریه هایی غیر سیاسی هستند. به این معنا که توضیح انقلاب را در چگونگی و علت پیدایش گروه های مخالف حکومت جستجو می کند. برای تبیین پیدایش این گروهها به بررسی ساختار اقتصادی، اجتماعی، اعتقادی جامعه و یا دیدگاهها و توقع های فرد می پردازند. بحث از طبقات جدید، پیدایش گروههای روشنفکری و ایدئولوژیکی انقلابی، بحث مرکزی مهمترین نظریه های انقلاب را تشکیل می دهد. البته عناصر اساسی یک نظریه منسجم سیاسی درباره انقلاب را می توان بدون تردید در درون مایه های عمومی انقلاب یافت. بنابراین نویسنده پس از بررسی نظریه های عمده انقلاب، می کوشد با بهره برداری از نظریه ها عناصر مذکور را بیابد و برای تدوین نگرش سیاسی هر یک را در جای مناسب قرار دهد. این نگرش را هم برای توضیح چگونگی وقوع انقلاب و هم برای تبیین منازعات سیاسی پس از پیروزی انقلاب به کار می برد. گذشته از این، در این نوشته، به بررسی نتایج کوتاه مدت و دراز مدت انقلابات و رابطه انقلاب با نظام بین المللی و انواع

انقلابها بویژه انقلابهای کلاسیک و مدرن و تفاوت‌های آنها در رابطه با نتایج انقلاب می‌پردازد. این نوشته اساساً بحثی نظری است. نویسنده تنها برای تأیید برخی نکات نظری به صورتی مختصر به تاریخ برخی از انقلاب‌ها اشاره می‌کند.

۲- منصور معدل در کتاب "طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران" معتقد است که ایدئولوژی نقش چشمگیری در برپایی و پایداری انقلاب ایران ایفا کرده است و نیاز به بازنگری جدی در زمینه نظریه‌های انقلابی موجود دارد. در این نظریه‌ها اصولاً ایدئولوژی نادیده گرفته شده یا مفهومی تقلیل‌گرایانه<sup>۱</sup> از آن در توجیه علل و فرایندهای انقلاب برداشت شده است. در این اثر، این گونه استدلال می‌شود که ایدئولوژی صرفاً عاملی نیست که زمینه رشدی را به علل انقلاب می‌افزاید، بلکه ایدئولوژی ویژگی ذاتی انقلاب است. ایدئولوژی به انقلاب حالت پدیده‌ای را می‌بخشد که از روال عادی مبارزه قدرت یا اختلاف طبقاتی متمایز است. او چنین استدلال می‌کند که این نظریه‌ها از توضیح تمامی جنبه‌های انقلاب ایران ناتوانند. سپس به تاسی از فورت<sup>۲</sup> میان انقلاب به عنوان محتوا و انقلاب به عنوان روش، تمایز قائل می‌شود. در این اثر، نویسنده بر این عقیده است که طبقات بوسیله عوامل ساختاری و تاریخی مشخص می‌شوند. طبقات پدیده‌هایی ایستا نیستند که یکبار و برای همیشه تثبیت شوند. همچنین به وسیله واقعیت‌های اقتصادی عینی نظیر روابط اجتماعی تولید نیز کاملاً معین نمی‌شوند. این اثر با پولانزاس که معتقد است طبقات نه تنها به وسیله روابط آن با سطح اقتصادی بلکه به وسیله روابط شان با سطوح سیاسی و ایدئولوژیک مشخص می‌شوند و این که جایگاه اقتصادی کارگزاران اجتماعی نقش اساسی در تعیین طبقات اجتماعی دارد، موافق است. در این کتاب، عوامل و فرایندهای انقلاب ایران و نتایج آن به لحاظ تعامل بین طبقه تا سیاست و ایدئولوژی در دوره پس از کودتای ۱۳۳۲ تجزیه و تحلیل می‌شود. نویسنده معتقد است که بحران انقلابی هنگامی روی داد که کنش‌های گروه‌های ناراضی در گفتمان انقلابی شیعه شکل گرفت. بنابراین، نظریه فرایندهای تاریخی‌ای که به رشد گفتمان شیعی با عنوان

<sup>۱</sup>. Reductionis

<sup>۲</sup>. Furet

ایدئولوژی غالب جبهه مخالف انجامید، جنبه مهمی از تشریح عوامل انقلاب ایران است. در این اثر، عقیده بر این است که ایدئولوژی جبهه مخالف اسلامی بوسیله روشنفکران گوناگون پدید آمده است. وی برای روشن شدن ساختار علت و معلولی ارائه شده در این کتاب، ایران را با مصر و سوریه مقایسه می کند. زیرا این دو کشور نیز جنبش های انقلابی مذهبی عمده ای را در قرن بیستم تجربه کرده اند.

۳- دکتر محمد علی همایون کاتوزیان در کتاب "نضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران" در یکی از مقالات خود در این کتاب، تحت عنوان "به سوی نظریه عمومی انقلابهای ایرانی" معتقد است که درباره انقلابها هیچگونه نظریه جهان روا<sup>۱</sup> وجود ندارد. وی در طرح مسئله یاد آور می شوند که ایران در سده بیستم شاهد وقوع دو انقلاب تمام عیار بوده که تحلیل گرانی را که عادت به کار بست مدلهای اروپایی دارند با معماهای مهم و متعددی روبرو کرده است. وانگهی از دیدگاه نظریه های موجود درباره تحولات اروپا، به هیچ وجه روشن نیست که چرا و چگونه انقلاب نخست، ملهم از ارزشهای اجتماعی و سیاسی غرب بود، حال آنکه انقلاب دوم که هفتاد سال پس از اولی رخ داد، آشکارا سرسستیز با غرب داشت. کاتوزیان در این مقاله می کوشد تا پس از بحث کوتاهی درباره قیام ها و انقلابهایی که در طول دو هزاره گذشته در اروپا رخ داده است، به مقایسه ویژگیهای اساسی آنها با ویژگیهای قیام ها و انقلابهای ایران بپردازد. کاتوزیان بر خصوصیات انگشت می گذارد که انقلابهای ایران، خواه هستی و خواه نو، با همه تفاوتهای بیشماری که دارند، در آنها مشترک هستند.

کاتوزیان جریان انتقال قدرت در ایران را چرخه مکرر حکومت خودکامه - هرج و مرج - حکومت خودکامه می خواند. وی ذیل عنوان "دو انقلاب سده بیستم ایران" می نویسد که در سده بیستم میلادی دو انقلاب در ایران رخ داد که در ظاهر - یعنی از نظر برخی شعارها، واژگان و غیره - تقریباً بی کم و کاست شبیه انقلابهایی بود که جوامع غربی تجربه کرده اند. با این حال، وقتی از ظاهر امور به کنه قضایا رخنه کنیم و با نگاهی واقع بینانه جوایز جزئیات شویم، درخواهیم یافت که این انقلابها هم از لحاظ

---

<sup>۱</sup> Universal

ویژگی های اساسی شان تقریباً بی کم و کاست شبیه قیامهای سنتی ایران بوده اند که پس از سرنگونی حکومت خودکامه، هرج و مرج بر کشور حاکم شده و پس از مدتی یکی از مدعیان قدرت حکومت را در دست گرفته و خود حکومتی خود کامه به راه می اندازد.

۴- دکتر علیرضا ازغندی در کتاب "ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب" بر این باور است که شناسایی ساختار جامعه سیاسی معاصر ایران بدون آگاهی از خصوصیات کمی و کیفی "گروه نخبه سیاسی" که در پویش تاریخی مدارج و مراتب عالی را احراز کرده اند، کاملاً بی نتیجه است و انسان جستجو گر را در ارزیابی کارنامه نخبگان ایران به بیراهه خواهد کشاند. از اینرو تحقیق در باب نخبگان و منشا اجتماعی آن در جامعه ایران، همانند سایر جوامع را از مهمترین و اساسی ترین تحقیقات جامعه شناسی ایران می داند. بویژه بدین علت که مطالعه درباره اینکه نخبه سیاسی کیست و چه خصوصیتی دارد و به چه میزان بر پویش تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه اثر گذار است، در تاریخ تفکرات و پژوهشهای جامعه شناسان و علمای علم سیاست معاصر ایران چندان سابقه ندارد.

آگاهی از نقش گروه نخبه سیاسی ضمناً به انسان می آموزد که جامعه ایران تا چه حد درگیر عناصر و نیروهای حافظ ایستایی و یا مشوق پویایی است. به عبارت دیگر، با مطالعه وضعیت گروه اقلیت قدرتمند که توان تعیین سرنوشت اکثریت را داراست، پی خواهیم برد که آیا جامعه ایران در باب تجمع قدرت و چگونگی اعمال آن جامعه ای است چندگروهی، یا اینکه صرفاً به دو طبقه "بی حقان غاصب" و "ذیحقان محروم" یعنی اقلیتی صدر نشین و اکثریتی پایین نشین تقسیم شده است. با این توضیحات مقدماتی، این کتاب در تلاش آزمون دو فرضیه ذیل است:

الف) تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در صد سال اخیر تحت الشعاع منافع گروهی که در این کتاب به نام "نخبگان" نامیده می شود، قرار داشته است. در ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، نخبگان سیاسی و در رأس آنها شخص شاه در تعیین پویش توسعه کشور تصمیم گیرنده نهایی هستند.